خبرها

بانک ملی: نرخ سود سپرده‌های کوتاه‌مدت کاهش نیافته است

شرق: بانک ملی ایران نرخ سود علی الحساب سپرده‌های سرمایه گذاری و نرخ سود مورد انتظار تسهیلات اعطایی این بانک را اعلام کرد. محمود بهمنی گفت: با استناد به مصوبه شورای پول و اعتبار در ارتباط با سیاست‌های پولی سال ۱۳۸۵ نرخ سود علی الحساب سپرده‌های سرمایه گذاری بانک ملی ایران در سال جاری، به شعب این بانک ابلاغ شده است. وی افزود: براساس این دستورالعمل بانک ملی ایران به سپرده‌های بلندمدت پنج ساله سالانه ۱۶ درصد سود علی الحساب پرداخت می کند. بهمنی گفت: نرخ سود علی الحساب متعلقه به سپرده‌های دو، سه و چهارساله به ترتیب ۱۵، ۱۵/۵ و ۱۵/۸ درصد است. وی نرخ سود علی الحساب پرداختی به سپرده های یک ساله را ۱۳ درصد اعلام کرد و گفت: بانک ملی ایران به سپرده‌های کوتاه‌مدت ویژه ۹ درصد سود سالانه علی الحساب پرداخت می کند ضمن اینکه نرخ سود علی الحساب پرداختی سپرده‌های کوتاه‌مدت نیز ۷ درصد خواهد بود. به گفته بهمنی نرخ های مذکور شامل سپرده‌های بعد از ۶ فروردین ۱۳۸۵ می شود. بهمنی در ادامه با اشاره به ابلاغ نرخ سود مورد انتظار تسهیلات اعطایی بانک ملی ایران به بخش های مختلف اقتصادی گفت: با استناد به دستورالعمل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نرخ سود مورد انتظار تسهیلات بانک ملی ایران برای بخش های مختلف اقتصادی شامل کشاورزی، صادرات، صنعت و معدن، مسکن، ساختمان، خدمات و بازرگانی ۲ درصد کمتر از نرخ های اعلام شده قبلی تعیین شده است.

تشکیل دادگاه ویژه بورس ضروری است

مهر: رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار گفت: با توجه به فصل ششم قانون جدید سازمان بورس و اوراق بهادار تشکیل دادگاه ویژه بورس در کشور لازم و ضروری است. علی صالح آبادی با بیان اینکه میزان سرمایه سرمایه گذاران لبنانی در ایران بالا نیست، اظهار داشت: ورود سرمایه گذاران لبنانی در بازار بورس ایران صرفاً نقطه شروعی برای ورود سرمایه گذاران خارجی در بازار بورس ایران است. وی ادامه داد: ورود سرمایه گذاران لبنانی به بازار بورس ایران نشان می دهد که بازار بورس ایران توانایی و پتانسیل لازم را جهت ورود سرمایه گذاران خارجی دارد. صالح آبادی در ادامه با بیان اینکه سهام داران لبنانی به صورت پرتفوی اقدام به خرید سهم کردند، اذعان داشت: سهامداران خارجی به صورت پرتفوی سبدی از سهام اقدام به سرمایه گذاری در بازار بورس کرده اند. وی در ادامه درخصوص تشکیل دادگاه ویژه بورس گفت: با توجه به فصل ششم قانون جدید سازمان بورس و اوراق بهادار تشکیل دادگاه ویژه بورس در کشور لازم و اجرایی است. رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار در ادامه اظهار داشت: براساس ماده ۵۷ قانون جدید سازمان بورس و اوراق بهادار سازمان بورس موظف است تا مستندات و مدارک مربوط به جرائم موضوع قانون را گردآوری کرده و به مراجع قضایی اعلام کند. وی در ادامه با بیان اینکه وظیفه سازمان بورس در کشور اعلام تخلفات و جرائم به مراجع قضایی است، اذعان داشت: وظیفه جرائم قضایی این است که تخلفات را پیگیری کنند که این امر بدون تشکیل دادگاه ویژه بورس در کشور محقق نمی شود. صالح آبادی در ادامه از اقدام جدید سازمان بورس درخصوص شفاف سازی خبر داد.

آیین‌نامه نحوه محاسبه نرخ گاز در دولت

ایسنا: با روند فعلی مصرف گاز تا پایان برنامه چهارم توسعه، مصرف گاز طبیعی به دو برابر مصرف سال ۸۴ خواهد رسید. سیدرضا کسایی زاده – مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران – با اعلام این خبر افزود: با توجه به پیش بینی توسعه و مصرف گاز در برنامه چهارم توسعه، در سال پایانی برنامه میزان مصرف سالانه گاز به ۲۱۱ میلیارد مترمکعب خواهد رسید که به بیش از دو برابر مصرف سال ۸۴ که ۹۸ میلیارد مترمکعب بود خواهد رسید. او ادامه داد: دولت در سال ۸۵ مکلف است در مورد مشترکان گاز خانگی در دو دهک پایین مصرف کنندگان، هزینه گاز را با تخفیف کامل حساب کند و برای پنج دهک بعدی نرخ گاز ثابت و معادل قیمت سال ۸۳ یعنی ۸۰ ریال برای هر مترمکعب محاسبه شده و برای سه دهک بالای مصرف کنندگان، قیمت گاز به صورت پلکانی افزایش پیدا خواهد کرد؛ به گونه ای که چنانچه الگوی مصرف پیش بینی شده را رعایت نکنند، مشمول جریمه می شوند. مدیرعامل شرکت ملی گاز با اشاره به تقسیم بندی مناطق کشور به گرمسیر، سردسیر و معتدل و سرد برای محاسبه نرخ گازبها گفت: با این پیش فرض ها هماهنگی لازم با سازمان مدیریت و برنامه ریزی انجام شده و دامنه مصرف در چهار استان گرمسیر، هفت استان سردسیر و ۱۹ استان سرد و معتدل مشخص شده و پس از تصویب پیشنهاد قیمت گاز برای دو دهک پایین ۲۵ ریال برای هر مترمکعب، پنج دهک بعدی ۸۰ ریال و سه دهک بعدی به صورت پلکانی ۱۲۰ ریال، ۱۶۰ ریال و ۲۴۰ ریال در هیات دولت، این دستورالعمل برای اجرا ابلاغ خواهد شد. وی گفت: جزئیات بیشتر این طرح پس از تصویب هیات دولت از طریق رسانه ها به اطلاع عموم خواهد رسید. وی با بیان این که ارزان ترین نرخ گاز برای مساجد، نانوایی ها و نیروگاه ها محاسبه می شود، تصریح کرد: نرخ گاز در منطقه بین ۶/۵ تا ۲۳ سنت متغیر است که بر این اساس اگر نرخ گاز عرضه شده در داخل کشور را محاسبه کنیم، دولت سالانه بین شش تا ۲۲ میلیارد دلار یارانه گاز پرداخت می کند. وی در مورد برنامه صادرات و واردات گاز به کشور یادآور شد: طبق برنامه امسال حدود هفت تا هشت میلیارد مترمکعب واردات گاز از ترکمنستان خواهیم داشت و همچنین حدود هفت میلیارد مترمکعب نیز صادرات انجام خواهد شد. البته از ابتدای سال ۲۰۰۷ (دی ۸۵) میزان واردات گاز از ترکمنستان را به ۱۴ میلیارد مترمکعب خواهیم رساند. وی در مورد توافق اخیر ایران و ترکمنستان برای افزایش قیمت گاز وارداتی از ترکمنستان گفت: چندی پیش گاز وارداتی از ترکمنستان به دلایل فنی قطع شد، ولی بعداً عنوان شد که موضوع افزایش قیمت مطرح است؛ بنابراین با توافق سران دو کشور نرخ گاز مشخص و توافقنامه جدید امضا شد که براساس آن نرخ گاز با فرمول جدید محاسبه شده و هر سه سال یک بار نیز از سوی طرفین قابل تجدیدنظر است.

تکلیف بنزین مشخص شد

مهر: سرانجام هیات وزیران با تصویب آیین نامه اجرایی تبصره ۱۳ قانون بودجه سال ۸۵ (مهمترین تبصره بودجه)، تکلیف حل معضل بنزین و خروج خودروهای فرسوده را در کشور مشخص و ۱۰ دستگاه اجرایی را در این خصوص مامور کرد. وزارتخانه های کشور، نفت، صنایع، ارتباطات، راه، تعاون و مسکن، بانک مرکزی، سازمان حفاظت محیط زیست و سازمان مدیریت و برنامه ریزی ۱۰ دستگاه اجرایی هستند که از سوی هیات دولت ماموریت یافتند تا معضل کمبود بنزین را در کشور در کنار خروج خودروهای فرسوده حل کنند.

عکس: عباس کوثری، شرق

بحران آموزش در ایران

بخش اول

ادامه از صفحه اول

■ **در آموزش و پرورش در سال ۸۴ و زمانی که مدیران جدید سرکار آمدند دو نمایشگاه برگزار شد تا ثابت کنند کتاب های درسی ما دینی نیستند و مدیران ما و برنامه هایی که در آموزش و پرورش اجرا می شوند اسلامی نیست و این یک توقعاتی را بین علما و رهبران جامعه ایجاد کرده، طوری که انگار مدارس جدید ما مدارس علوم دینی هستند. درحالی که خاستگاه و نقطه شروع مدارس جدید با مدارس قدیم که مکتب خانه ها بودند و بعد به حوزه علمیه تبدیل شدند دو چیز جدا هستند. در مدرسه جدید دانش آموز از شک شروع می کند و علوم جدید می خواند و در مدرسه قدیم از یقین شروع می کند، یعنی متون مقدس قدیمی می خواند. ولی ما هنوز نتوانسته ایم این مسئله را بعد از ۲۶ سال از انقلاب و بعد از ۱۰۰ سال از انقلاب مشروطه حل کنیم. نظر شما در این باره چیست؟**

به نظر من باید یک تقسیم بندی نسبتاً روشنی را در ارتباط با عملکرد و نقش آموزش و پرورش داشت که آن تقسیم بندی آموزش و پرورش دینی و غیر دینی را روشن می کند. آموزش و پرورش اگر مجموعه وظایفش را دسته بندی کنیم آن را در سه مقوله می توان جای داد:

۱- آنچه را که مربوط به زندگی فردی افراد است یعنی ایجاد یک نوع آرامش روحی و معنوی در افراد. کسانی که آموزش و پرورش درستی را تجربه نکرده باشند و از تعلیم و تربیت کافی برخوردار نباشند نمی توانند به این مرتبه از رشد و تعالی فردی برسند. به قول کانت «چه ابزار شگفتی است آموزش و پرورش که انسان را از ادنی مرتبه هستی به اعلا مرتبه هستی می رساند»

به هر حال آنچه که می تواند موجب رشد و کمال انسان شود آموزش و پرورش است. در بخش ایجاد آرامش روحی و معنوی برای افراد به نظر من آموزش و پرورش یک مقداری دینی و اخلاقی است و این دو، دو مقوله مختلف هستند و می شود با ابزارهای دینی و ابزارهای اخلاقی و همچنین آموزش های دینی و آموزش های اخلاقی انسان را در رشد و تعالی پرورش داد.

■ **اما اگر دین به حالت ایدئولوژی در بیاید و سیاسی باشد چه؟**

نه من اصلاً ایدئولوژی را قبول ندارم. اینجا من قطعاً حرف از دین می زنم نه از ایدئولوژی. یعنی بخش دوم عملکرد آموزش و پرورش در واقع نقش اجتماعی آموزش و پرورش است و این که انسان را برای زندگی اجتماعی آماده کند و مهارت های اجتماعی لازم را به او بدهد و به او این قدرت و توانمندی را بدهد که بتواند یک سازگاری اجتماعی را ایجاد کند و زندگی اجتماعی موفقی داشته باشد و یک جریان دادن و گرفتن در اجتماع را به انسان بیاموزد. در این بخش به نظر من بخشی از آموزش و پرورش اخلاقی است و بخش دیگر حقوقی است یعنی باید انضباط اجتماعی به افراد آموزش داده شود. در این بخش است که باید پایبندی به وظایف و احترام به حقوق دیگران به افراد آموزش داده شود و افراد باید تمرین کنند که از حق خود نگذرند.

بخش سوم در ارتباط با بالا بردن قدرت و توان ملی است. یعنی شما اگر مؤلفه های توان ملی را نگاه کنید یکی از آنها اقتصاد است و باید آموزش و پرورش افرادی را تربیت کند که در هر جایی که زندگی می کنند به رشد اقتصادی کشور کمک کنند و یکی دیگر از مولفه ها قدرت علمی و تکنولوژیک است و غیره... در این بخش آموزش و پرورش رنگ علمی و فنی و تخصصی به خود می گیرد. در واقع از این سه موضوعی که آموزش و پرورش باید به آن بپردازد موضوع اول دینی- اخلاقی، موضوع دوم اخلاقی- حقوقی و موضوع سوم فنی و تخصصی است. بنابراین اگر هم تفکری بخواهد آموزش و پرورش را محدود در یکی از این موضوعات بکند به نظر من اولاً آموزش و پرورش را به درستی نشناخته و ثانیاً قطعاً با بن بست مواجه می شود و به نتیجه نمی رسد. اینکه اخیراً در آموزش و پرورش مطالبی به عنوان شعار مطرح شده من معتقدم که این مطالب و خیلی دیگر از مطالبی که توسط دولت جدید مطرح شده البته نه همه آنها ناشی از ناآگاهی است. اینکه آموزش و پرورش را در آموزش و پرورش دینی خلاصه کنند و یا بگویند که کتاب های درسی ما اسلامی نیست و یا حرف هایی که اوایل انقلاب هم زده شد و بعداً هم نادرستی آنها ثابت شد یا ناشی از ناآگاهی است یا فریب کاری.

■ **کلمه قلع و قمع در آموزش و پرورش یک کلمه نسبتاً آشنا است. چپ ها اول انقلاب نیروهای سابق یا گروه های مخالف خودشان را به عنوان ضد انقلاب تصفیه کردند، مدیریت ها را کنار گذاشته، معلم ها را اخراج کردند و به روایتی حدود ۳۶ هزار نیروی پرورشی از بیرون به آموزش و پرورش تزریق شد بدون هیچ تخصصی. دوره شما که شروع شد نوبت به چپ ها رسید. شما را به عنوان یک تکنوکرات می شناختند که چپ های ایدئولوژیک را تصفیه کردید. تعدادی خودشان رفتند و بعد در دوران آقای مظفر مدیرانی را که شما آورده بودید کنار گذاشتند و مدیرانی از چپ ها که یا اصلاح شده بودند یا نبودند جایگزین آنها شدند. دوره حاجی کمترین تغییر را داشتیم و بالاخره آقایان آمده اند و می خواهند وضعیت را به نقطه صفر برگردانند. این پاکسازی ها در آموزش و پرورش کی تمام می شود. چه طور است که بعد از هر انتخاباتی انگار که در کشور ما انقلاب شده. یک مدیر مدرسه یا یک مدیرکل چه ارتباطی با انتخابات و چه ربطی به سیاست دارند. این واژه قلع و قمع کی از آموزش و پرورش حذف می شود؟**

این مسائل متاسفانه منحصر به آموزش و پرورش نیست اما در آموزش و پرورش پررنگ تر بوده و در طول سال های بعد از انقلاب پررنگ تر شده. در دستگاه های دیگر هم این اتفاق افتاده، به خصوص در دولت جدید که در همه دستگاه ها به صرف اینکه کسی در دوران گذشته مدیر بوده است بدون تحقیق متهم و محکوم می شود، یعنی حتی در وزارت صنایع، نیرو و مخابرات هم همین اتفاق با این که هیچ ارتباطی به مسائل فکری و فرهنگی ایدئولوژی ندارد، افتاده و متاسفانه این دردی است که ۲۸ سال بعد از انقلاب مرتباً از آن رنج برده ایم و علت آن هم این است که ما یک پارادایم روشنی برای اداره حکومت در کشور نداریم و لذا تحت تاثیر سلیقه ها و بعضی از خودبینی ها قرار می گیرد و هر گروهی که سرکار می آید شروع به نفی کردن قبل از خودشان و یا پاکسازی و یا قلع و قمع می کنند. یک نکته ای هم درباره دوران مدیریت خودم در آموزش و پرورش بگویم که من سعی کردم این اتفاق کمتر بیفتد یعنی اگر تیم مدیریت آموزش و پرورش در آن دوران را بررسی کنید چه در سطح ستاد وزارتخانه و چه در سطح ادارات کل استان ها می بینیم هم نیروهای چپ و هم نیروهای راست و هم نیروهایی غیر سیاسی داشتیم.

■ **آقای دکتر شما بیشترین درگیری را با مدیر کل وقت آموزش و پرورش تهران آقای مظفر و روسای مناطقش داشتید و تقریباً همه اینها در دوره شما برکنارشدند؟**

درست است ولی علت، چپ بودن آنها نبود. ما یک معیار دیگری داشتیم. در بین مدیران آموزش و پرورش مرحوم آقای علاقه مندان از ابتدای انقلاب اسلامی یک نیروی چپ آموزش و پرورش شناخته شده بود و زمانی که من وارد آموزش و پرورش شدم ایشان در ماه های اول جزء مخالفان من بودند و صراحتاً گفته بود که من با وزارت شما مخالف هستم. من گفتم که چند ماه همدیگر را تحمل کنیم تا ببینیم که می توانیم با همدیگر کار کنیم یا نه؟ البته تا پایان دوره مسئولیت من در آموزش و پرورش در طول آن ۹ سال به عنوان معاون وزیر باقی ماندند و از نزدیکترین همکاران من بودند و یا آقای ضرغامی که در آن دوران جزء نیروهای چپ آموزش و پرورش بود و قبل از آن هم که نماینده مجلس بودند به عنوان نیروی چپ شناخته می شدند و در مقابل آن هم کسانی از جناح راست بودند که راست معتدل بودند مثل آقای مهندس موید که از همکاران آقای پرورش در آموزش و پرورش بودند. و یا خود آقای دکتر حداد عادل قبل از من معاون آموزش و پرورش بودند که در دوران من مسئولیت ایشان استمرار یافت. به هرحال ما هم نیروهای راست داشتیم، هم چپ و حالا جاهایی که ما درگیری داشتیم و شما می گویید چپ ایدئولوژیک را تصفیه کردیم. ولی ما با بعضی از افراد در جناح چپ عمده درگیری هایمان سر چپ بودن آنها نبود سر برنامه هایی بود که ما برای آموزش و پرورش مطرح می کردیم و آنها مخالفت می کردند و حساسیتی که نسبت به آنها در آموزش و پرورش ایجاد شده بود.

■ **اصولاً در آموزش و پرورش ۲۷ ساله ما تا حالا چالش حول برنامه شکل گرفته، بیشتر چالش ها حول شخصیت و حول افراد است. مثلاً چالش شما با آقای مظفر مدیر کل تهران...**

اصل مسئله سر تربیت معلم بود و به نظر من روش برخورد با تربیت معلم که آنجا مثل پادگان شده بود اصلاً درست نبود. مثلاً اگر دانشجویی شب جمعه در دعای کمیل و صبح جمعه در دعای ندبه شرکت نمی کرد روز جمعه به او از سلف سرویس، ناهار و شام نمی دادند. یعنی چنین تفکری در آموزش بود. می گفتند که شبانه روزی تربیت معلم مقدس است. اینکه بعضی از دانشجوها که مثلاً ازدواج کرده بودند و منزل آنها تهران بود اگر شب به منزل خود می رفتند و روز بعد به تربیت معلم می آمدند خلاف همه برنامه های تربیت معلم تلقی می شد. چالش ما با آقای مظفر سر تربیت معلم بود و نهایتاً عزل ایشان به خاطر این بود که در تربیت معلم به ناحق با مدیری برخورد شد که من گفتم باید مدیر برگردد و ایشان موافقت نکردند و من گفتم که خود شما را عزل می کنم. منظور من این است که مسئله سر برنامه بود.

■ **شما اگر عمیق تر نگاه می کردید باید نظام گزینش معلم را تغییر می دادید در حالی که در نظام گزینش معلم در دوران شما و بعد از شما یک معلم براساس تحقیقات محلی، مصاحبه و سئوال های سیاسی به چه کسی رأی داده و به چه کسی رأی نداده گزینش می شد نه بر اساس صلاحیت های حرفه ای....**

ما درباره تربیت معلم دو بخش داشتیم که یکی گزینش نیرو بود برای ورود به تربیت معلم چه در دانشگاه و چه در مراکز تربیت معلم و دیگری مدیریت مراکز تربیت معلم و برنامه های مراکز تربیت معلم. قسمت اول واقعاً در اختیار وزیر نبود و اینکه می فرمایید در دوران من شرایط بهتر شد برای اینکه شرایط عمومی کشور هم مقداری در این جهت بهتر شد و ما هم مخالف آن روش های گزینش قبل بودیم و یا در دوران اصلاحات بهتر شد به خاطر این بود که گزینش ها به روش های قبلی دیگر جایگاهی به آن صورت برای ابراز وجود و انجام فعالیت نداشتند و این واقعیتی است که تغییر در این قسمت را نمی شود تنها از وزیر آموزش و پرورش خواست بلکه باید از مجموعه دولت و فراتر از دولت مثلاً شورای عالی انقلاب فرهنگی توقع داشت که هیچ وقت حاضر نشدند که گزینش آموزش و پرورش را به وزیر تفویض کنند و بنابراین وزیر در آن مورد اختیاری نداشت و دستش بسته بود. اما در مورد نظام اداره تربیت معلم ها و سیستم آموزش آنها تقریباً ما همه چیز را عوض کردیم مثلاً در مرکز تربیت معلم برنامه آموزشی را تغییر دادیم و به صورت واحدی در آوردیم و به آنها وجهه دانشگاهی دادیم و نهایتاً دوره های تربیت معلم را به تایید وزارت فرهنگ و آموزش عالی رساندیم یعنی شورای گسترش وزارتخانه و مدرک تربیت معلم را از نظر وزارت علوم هم به آن رسمیت بخشیدیم. در دانشگاه تربیت معلم آن شکل تعهد خدمت از دانشجویان دانشگاه تربیت معلم و آن فشارهایی که آن موقع بود را به کل برداشتیم چون من معتقد بودم که اصلاً تربیت معلم در دانشگاه به آن صورت ضرورتی ندارد و ما می توانیم تعدادی از فارغ التحصیلان آزاد دانشگاه ها را با امتحان به عنوان معلم انتخاب کنیم و دوره پیش از خدمت برای آنها بگذاریم و قطعاً از لحاظ کارایی و بازدهی این روش بهتر است و تقریباً الان این وضعیت در حال انجام است و لذا من فکر می کنم که در تربیت معلم تغییرات اساسی ایجاد شده و این تغییرات به این راحتی نبود و خیلی با مشکلات و تنش ایجاد شد.

■ **آقای دکتر نجفی در سال ۱۹۹۴ هیاتی از طرف ایران به ریاست جناب عالی در کنفرانس یونسکو شرکت کردند و روز ۱۳ مهر (۵ اکتبر) به عنوان روز جهانی معلم انتخاب شد؛ روز بزرگداشت معلم و یک چیزی کاملاً فرهنگی و کاملاً غیر سیاسی، ولی متاسفانه نه در دوره شما و نه در دوره بعد از شما به جز یک بار که مرتضی حاجی اطلاعیه ای مبنی بر گرامیداشت این روز صادر کرد هیچ وقت این روز مورد توجه مدیران آموزش و پرورش قرار نگرفت. چرا شما چیزی تصویب کردید و بعداً از آن دفاع نکردید؟**

من فکر می کنم که پرداختن به روز جهانی معلم در ارتباط با آموزش و پرورش کشور ما، در حد مصاحبه و اطلاعیه وزیر کافی باشد و من دفاع می کنم از این که ۱۲ اردیبهشت را باید روز معلم قرار دهیم و آن هفته را هفته معلم اعلام کردیم. وقتی که ما شهید مطهری را داریم که یک پتانسیل انقلابی در ارتباط با ۱۲ اردیبهشت ایجاد می کند و به نظر من این هوشمندانه تر است که آموزش و پرورش ۱۲ اردیبهشت را روز معلم انتخاب کند و از پتانسیل و بک گراند انقلابی سود ببرد و خود شهید مطهری را به عنوان یک معلم در جامعه نام ببرد و این واقعاً شأنیت آموزش و پرورش را بالا می برد و بعد جامعه را تحت تاثیر مسائل تعلیم و تربیت قرار بدهد. من معتقدم اگر کسی سال های مدیریت من در آموزش و پرورش را بررسی کند قبول خواهد کرد که در آن سال ها بخصوص از سال ۷۲ به بعد در هفته معلم تقریباً همه چیز در جامعه در رسانه ها و جاهای مختلف در دولت تحت تاثیر بزرگداشت مقام معلم قرار می گرفت.

■ **متاسفانه یک تعریف حرفه ای از شغل معلمی نداریم و چیزی که در رسانه ها و صحبت های مسئولین مطرح می شود تجلیل از مقام معلم است و خدا، پیامبر، امامان، روحانیان و... و تمام اینها معلم هستند. چیزی که مورد نظر معلمان است این است که ما یک صنف هستیم. ما کسانی هستیم که در آموزش و پرورش ساعات معینی در هفته سر کار می رویم و در قبال آن مزد می گیریم و از این مزد ارتزاق می کنیم، یعنی معلم حرفه ای آموزش و پرورش هستیم. استاد دانشگاه معلم آموزش و پرورش نیست، روحانی معلم آموزش و پرورش نیست. احترامی که ما برای آقای مطهری به عنوان یک نویسنده و روحانی و استاد دانشگاه قائل هستیم به جای خود محفوظ ولی آقای مطهری معلم آموزش و پرورش نبود ضمن اینکه در این سال ها به خاطر شهادت استاد، همواره بعد ایدئولوژیک و بعد سوگواری این روز قوی تر بوده در حالی که معلم دوست دارد در این روز که متعلق به خود اوست جشن بگیرد، سخنرانی کند و گروه های سرود بنوازند و بخوانند اما چون روز شهادت استاد است باید سینه زنی شود و نوحه پخش شود و حتی من شنیده ام که خانواده استاد با این روش مخالف هستند.**

البته تا آنجایی که من در خاطر دارم در آن سال ها واقعاً در روز ۱۲ اردیبهشت سینه زنی و نوحه خوانی اجرا نمی شد و واقعاً جشن گرفته می شد و شما از معلمان مناطق سئوال کنید، در مدارس در سطح استان ها جشن معلم گرفته می شد و حتی معلمان نمونه از نقاط مختلف کشور به تهران می آمدند و یک هفته مهمان ما بودند. من معتقدم که برگزاری هفته معلم کافی نیست ولی امکان بسیار خوبی است که مسائل آموزش و پرورش در جامعه مطرح شود برای اینکه جامعه به معلم ادای احترام کند و نسبت به معلم و نقشی که آن بر عهده دارد حساس شود و به نظر من در آن سال ها از این فرصت خیلی خوب استفاده می شد.

■ **مسائل معیشتی معلمان از حدود ۴۵ سال پیش مطرح شده و هنوز هم حل نشده و اعتراض معلمان این است که چرا کارکنان دستگاه های دیگر به اعتراف مسئولان از جمله آقای حداد عادل ۲ تا ۳ برابر معلمان حقوق می گیرند چرا آنها از مزایای جانبی مثل حق مسکن، حق ایاب و ذهاب و خیلی چیزهای دیگر برخوردار هستند مثل پاداش به مناسبت های مختلف، به مناسبت ماه رمضان و اعیاد و پاداش آخر سال ولی معلمان از این مزایا محروم هستند و این وضعیت به دوره شما هم بر می گردد واقعاً شما برای این مسئله چه پیشنهادی دارید و چه باید کرد که معلمان این احساس تبعیض را نداشته باشند که الان در تمام جنبه های کار و زندگی آنها اثر گذاشته است؟**

من فکر می کنم که دو کار باید انجام شود یکی اینکه منابع آموزش و پرورش از آنچه که هست متنوع تر شود یعنی اگر آموزش و پرورش متکی باشد بر منابع دولتی در کشوری مثل کشور ما همیشه فقیر باقی می ماند.

■ **اما ما اصل ۳۰ قانون اساسی را داریم**

درست است ولی اولاً اصل ۳۰ قابل تفسیر است ثانیاً اگر واقعاً این ماده اجرایی نیست خود قانون اساسی راه گذاشته که ما آن را مورد تجدید نظر قرار دهیم اگر خواستید من خود تفسیری از آن دارم که عرض کنم.

■ **یعنی شما می گویید باید شهریه پرداخت کرد؟**

شهریه که خیر. همان طرحی که ما درست کردیم برای مدارس نمونه مردمی که بعد از ۳-۲ سال کار جا افتاده بود طوری که مردم و فرهنگیان از آن استقبال کردند. براساس آمارگیری که انجام دادیم بالای ۸۵ درصد محبوبیت از طرف فرهنگیان و خانواده دانش آموزان اعلام شده بود. اینکه مردم و فرهنگیان مشتاق بودند که فرزندانشان را در این مدرسه ها ثبت نام کنند نشان دهنده موفقیت آن بود و متاسفانه یک روز در مصوبه ای که خلاف قانون تشکیل شورای عالی آموزش و پرورش بود این طرح زیر پا گذاشته شد.

■ **در دوران آقای مظفر؟**

بله در همان اوایل دوران وزارت ایشان بود که در دولت هم بحث مفصلی در این باره شد و خود آقای رئیس جمهور هم از این تصمیم عصبانی شدند ولی به هر حال این قانون تصویب شد و به آن شکل قانونی دادند و اجرا کردند.

■ **این به تفسیر انسان ها از عدالت برمی گردد؟**

بله فکر می کردند که مدارس نمونه مردمی خلاف عدالت است در حالی که عین عدالت بود. شاید امروز هم نوعی تفسیر از عدالت که در دولت آقای احمدی نژاد مطرح می شود براساس همین نوع تفسیر است؟

■ **یعنی برابری در فقر؟**

بله نکته دوم، در دوره ای که من در آموزش و پرورش بودم قانونی را به تصویب رساندیم که ۱ درصد فروش کلیه خدمات و کالاها در داخل کشور و ۱ درصد از عوارضی که بابت ورود کالاها به کشور گرفته می شد باید به آموزش و پرورش داده می شد و واقعاً این رقم طی ۲ سال رقم قابل توجهی بود به خصوص اینکه این رقم در اختیار شوراهای آموزش و پرورش استان ها قرار می گرفت و دست آنها برای هزینه کردن باز بود و شما می دانید که اگر ۱۰۰ تومان در اختیار مدیری قرار بگیرد که از نظر قدرت انعطاف در هزینه دستش باز باشد بیش از هزار تومان در چارچوب مقررات دولتی و نظام حاکمیتی ذی حسابی ارزش دارد که متاسفانه در دولت اصلاحات و زمانی که آقای حاجی وزیر بودند در مجلس لغو شد و آن هم در مجلسی که مدافع اصلاحات بود بدون توجه به اهمیت این قانون برای آموزش و پرورش. اینکه می گویم منابع آموزش و پرورش باید متنوع شود به این معنا نیست که سراغ شهریه گرفتن از مردم برویم. در چارچوب بودجه دولتی اگر آموزش و پرورش بخواهد هزینه هایش را تامین کند همین می شود و روزبه روز هم بدتر می شود. اتفاقاً در اواخر دوره وزارت آقای حاجی ایشان به این فکر افتادند و جلساتی را برای بررسی مسائل اقتصاد آموزش و پرورش گذاشتند حتی یک سمینار هم در این باره برگزار شد و یک کمیته تخصصی هم با حضور وزیر تشکیل دادند و بنده هم در خدمت ایشان بودم و اگر همان مباحث در دولت جدید دنبال شود مطمئن هستم که به راه حل های خیلی خوبی خواهند رسید.

■ **اما دولت جدید معتقد به راه حل متفاوتی است؟ دلارهای نفتی!**

دولت جدید چون فکر می کند که هر کاری که قبلاً انجام شده غلط بوده و خلاف مصالح مملکت بوده طبیعتاً دنبال آن راه حل نمی رود. اما من به دلایل مختلف می توانم ثابت کنم که آموزش و پرورش در چارچوب آنچه که دولت جدید دنبال می کند یعنی اتکا صرف به منابع دولتی، آن هم از طریق بودجه و در قالب بودجه سنواتی، غیر ممکن است که بتواند مشکلات خود را حل کند. این جا بحث ریاضی و مدل اقتصادی است اصلاً بحث ذهنی و ایدئولوژیک نیست که کسی بگوید از این بحث خوشم می آید یا نه. مخالف هستم یا موافق. من معتقدم با ارقام و اعداد می شود این مسائل را ثابت کرد. و مسئله دوم اینکه ببینید دولتی که اینقدر برای خودش مسئولیت ها و تعهدات مختلف هزینه را ایجاد کرده با این منابع که فرض کنید در سال ۴۰ میلیارد دلار از منبع نفت می خواهد خرج کند و امسال که بهترین سال از نظر درآمد ارزی بوده دولت پیشنهاد ۴۰ میلیارد دلار را داده و مجلس کمی از این مقدار را کم کرده. من معتقدم که متمم بودجه بر می گردد به ۴۰ میلیارد دلار و بلکه بیشتر. ۴۰ یا ۴۵ میلیارد دلار پولی نیست که دولت بتواند این همه مسئولیت را پاسخگو باشد و این همه دستگاه هایی که به نوعی به دولت وصل شده اند را بتواند اداره کند بنابراین دولت باید بخشی از مسئولیت های خود که در واقع تصدی های اقتصادی و اجرایی است را کم کند بنابراین من معتقدم کسی که می خواهد برای آموزش و پرورش از نظر منابع فکر کند باید مدافع کوچک شدن دولت باشد، مدافع آزاد سازی اقتصاد باشد و من این را بارها در آموزش و پرورش در بین همکاران خودم مطرح می کردم که شما اگر می خواهید دولتی داشته باشید که بتواند به آموزش و پرورش منابع لازم را بدهد باید این دولت از جاهای دیگری آزاد شود و اینکه شما از دولتی شدن همه چیز دفاع می کنید و فکر می کنید که تفکر چپ دارید این در تناقض با آن چیزی است که بعداً از دولت توقع دارید. بنابراین دولت باید تصدی های اقتصادی و اجتماعی را تا آن جایی که می تواند کمتر کند و سراغ حاکمیت برود. دولت باید کوچک شود به طوری که منابع دولتی و ملی بتواند به میزان بیشتری صرف آموزش شود ولی دولت در جهت مخالف این فرضیه حرکت می کند. حتی حوزه های علمیه و بسیاری از مراکز وابسته به روحانیت هم روزبه روز بیشتر به بودجه دولت وابسته می شوند و اگر این داستان ادامه پیدا کند فکر می کنم که آموزش و پرورش روزبه روز فقیرتر می شود.

■ **شما از بحث مشارکت های مردمی در آموزش و پرورش دفاع می کنید. یکی از راه های آن تاسیس مدارس غیرانتفاعی است. به دلیل مقررات سخت اداری و سودآور نبودن سرمایه کسی ریسک سرمایه گذاری در مدارس را نمی پذیرد...**

اول یک خاطره بگویم بعد جواب سئوالتان را می دهم. روزی قرار بود من به مجلس برنامه بدهم برای آموزش و پرورش. در سال ۶۷ در زمان نخست وزیری مهندس موسوی من مجدداً وارد کابینه شدم به عنوان وزیر آموزش و پرورش. وزارت من ۸ سال در زمان آقای هاشمی تمدید شد. در سال آخر نخست وزیری آقای موسوی یعنی سال ۶۷ آقای اکرمی به عنوان وزیر آموزش و پرورش به مجلس معرفی شدند و رای نیاوردند آن سال من دوباره وزیر شدم. با رای ناپلئونی و با مخالفت شدید جناح چپ مجلس که آن زمان در اختیار انجمن اسلامی معلمان بود.

■ **همیشه وزیران آموزش و پرورش رایشان ناپلئونی بوده.**

البته بعداً رأی من در مجلس خیلی بالا رفت ولی در آن سال اول مخالفت جدی با من داشتند و یکی از دلایل مخالفت آقایان با من همین تاسیس مدارس غیرانتفاعی بود. من برای احترام به معاونین آموزش و پرورش تقاضا کردم که جلسه ای داشته باشیم و اگر طرحی به نظر آنها می رسد که مناسب است ارایه کنند و این فقط برای احترام بود و می خواستم که یک فضای دوستی و صمیمیت با اینها باز شود که بدانند اگر من وزیر شدم قرار نیست که اینها را قلع و قمع کنم. یکی از آقایان معاونین آن زمان که انسان بسیار خوبی بود و بعداً هم تا آخر وزارت خودم با ایشان همکاری داشتم گفتند که اگر می خواهید وارد آموزش و پرورش شوید و میخ مدارس غیرانتفاعی را بزنید و بعد خارج شوید ما نمی گذاریم. یعنی این جو آموزش و پرورش آن زمان بود که من در جواب ایشان گفتم که اولاً من نمی دانم «ما» چه کسی است. ثانیاً قرار نیست ما میخی بکوبیم و ثالثاً این قانون است. یکی از برنامه های من همین است و وارد شدم. همان آقای معاون بعداً متوجه شد که این مدارس غیرانتفاعی طرح خوبی است و می شود آن را به درستی و به نفع آموزش و پرورش اجرا کرد. خود او مدرسه غیرانتفاعی راه اندازی کرد و جزء مدرسه های خوب تهران شد.

■ **اکثر کسانی که بعداً از آموزش و پرورش رفتند همین کار را کردند؟**

بله اکثراً همین کار را کردند اما ابتدا یکی از علت های اصلی مخالفت با وزارت من این بود که ایشان می خواهند بیایند و مدرسه غیرانتفاعی راه بیندازند.

خلاصه گفت وگو

**۱- دولت جدید چون فکر می کند که هر کاری که قبلاً انجام شده غلط بوده و خلاف مصالح مملکت بوده طبیعتاً دنبال آن راه حل نمی رود. اما من به دلایل مختلف می توانم ثابت کنم که آموزش و پرورش در چارچوب آنچه که دولت جدید دنبال می کند غی